

# حتی برای دام‌ها هم برنامه داشتیم

روایت رضا صدیقی، فرماندار وقت شهرستان اهر از لحظه‌های ابتدایی وقوع زلزله سال ۱۳۹۱ تا شیوه بازسازی اماکن روستایی



ثابت از کار افتاد؛ هیچ اطلاعی از پیرامون خود نداشتیم؛ در اولین اقدام، هفت، هشت دستگاه موتورسیکلت پیدا کردم. مال خود مردم بودند. بلافاصله برای اطلاع از اینکه در حوزه استحفاظی‌ام چه اتفاقی افتاده است، بچه‌هایی که دور و برم بودند و برای گرفتن خبر به فرمانداری می‌آمدند را با موتور، به مناطق مختلف فرستادم. دو نفر را به روستاهای شرق شهرستان اهر که جاهای دور بودند و تعدادی را به غرب. می‌خواستم از همه مسیرها برای من اطلاعاتی بیاورند.

برخی همکاری‌های خودمان هم موتور داشتند. مردم را هم می‌شناختم. به یکی گفتم تو برو به طرف گوینجه بل، آن یکی به طرف ورزقان و دیگری به طرف مشکین. این کار به ما کمک کرد تا در کمترین زمان ممکن، قبل از این که راه‌ها بسته شوند، بفهمیم که کانون زلزله، جنوب غرب اهر است. در حقیقت روستاهایمان در مسیر ورزقان، تلفات داشتند. با دریافت این خبر، ظرفیت‌های مردمی و کارگروه امداد و نجات را با مسئولیت هلال احمر به آن مسیر فرستادم. توصیه کردم که شما دیگر منتظر آمبولانس نمانید؛ با هر وسیله نقلیه ممکن، فوتی‌ها و افراد مجروح را به بیمارستان برسانید. این اولین حرکت بود.

## دریافت اطلاعات

همیشه به همراه خانواده در شهرستان محل خدمت مستقر شده‌ام. برای همین، به راحتی از مدیرانم نیز همین خواسته را داشته‌ام. به اذعان مسئولان امر، استقرارم در شهر اهر، به موفقیتم در مدیریت زلزله کمک زیادی کرده بود. در یک خانه سازمانی، چسبیده به فرمانداری ساکن بودم. برای ساعت پنج، جلسه‌ای در ساختمان فرمانداری داشتیم. آماده رفتن به جلسه بودم که زلزله اتفاق افتاد. من از مجموعه سپاه برای وزارت کشور مأمور بودم و از گذشته تجربیاتی در مورد حوادث غیرمترقبه داشتم که آن‌ها را بلافاصله به میدان عمل آوردم. امکان برقراری ارتباط برای مدیریت بحران، موضوعی بسیار اساسی است. ارتباطات قطع شد. موبایل و تلفن

## احمد ظروفی

گفت‌وگو

”

با دریافت این خبر، ظرفیت‌های مردمی و کارگروه امداد و نجات را با مسئولیت هلال احمر به آن مسیر فرستادم. توصیه کردم که شما دیگر منتظر آمبولانس نمانید؛ با هر وسیله نقلیه ممکن، فوتی‌ها و افراد مجروح را به بیمارستان برسانید. این اولین حرکت بود

